**عنوان**

**بررسی ادله نقصان عقل زن**

**استاد راهنما**

**حجت الاسلام مرتضی خواه**

**پژوهشگر**

**محمد رضا مهدوی**

**مقطع تحصیلی**

**پایه پنجم**

**درس پژوهشی**

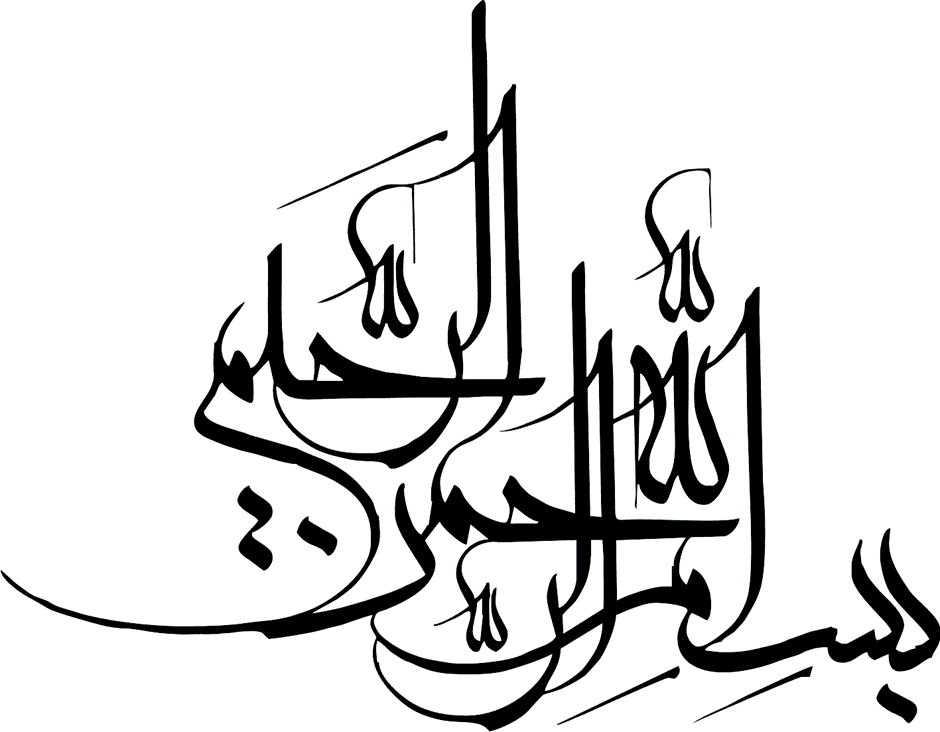
**اصول2**

**مرکز آموزشی**

**مدرسه علمیه علوی**

**سال تحصیلی**

**98ـ99**



از استاد گرامی جناب حجت الاسلام و المسلمین مرتضی خواه بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنماییهای ایشان نوشتن این مقاله بسیار دشوار بود .

از استاد گرامی جناب حجت الاسلام و المسلمین عابدینی جهت آموزش نحوه صحیح پژوهش سپاسگزارم .

پیشکشی به سفره دار بزرگ فقه جعفری شهید ثانی رضوان الله علیه.

**چکیده**

در دین مبین اسلام، زن جایگاه رفیعی دارد تا آنجا که همتای مردان توانایی رسیدن به کمالات را دارد. با وجود این، در مجموعه‌ی روایات، سخنانی به چشم می‌خورد که در نگاه نخست موهم آن است که خداوند بهره‌ای بیشتر از قوت عقل به مردان داده و سهم زنان در این باره کمتر است. ضمن اینکه این سخنان سسب شده تا فقهای اسلام بر مبنای آن حکم شرعی صادر کنند. در این نوشتار به بررسی این روایات و تعیین دلالت و مراد از آنها پرداخته‌ایم. بر اساس مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق،‌ مقصود از نقصان عقل در زنان، نقصان در تعقل و بکارگیری آن است و آن هم به این علت است که عواطف و احساسات در زنان از قوت بیشتری برخوردار است تا مردان.

**کلید واژه**: زن، عقل، نقص

Contents

[مقدمه 6](#_Toc48730683)

[فصل اول 7](#_Toc48730684)

[مفهوم شناسی عقل و نقص 7](#_Toc48730685)

[عقل در لغت 7](#_Toc48730686)

[عقل در آیات و روایات 7](#_Toc48730687)

[مفهوم شناسی نقص 8](#_Toc48730688)

[فصل دوم 9](#_Toc48730689)

[جایگاه شناسی زن 9](#_Toc48730690)

[جایگاه و مقام زن از دیدگاه اسلام 9](#_Toc48730691)

[اشتراکات وجودی زن و مرد 11](#_Toc48730692)

[الف) اشتراک در گوهر انسانیت 11](#_Toc48730693)

[ب) به فعلیت رساندن استعدادها و ظرفیت ها به نحو کمال 13](#_Toc48730694)

[فصل سوم 16](#_Toc48730695)

[بررسی دلالی ادله نقصان عقل زن 16](#_Toc48730696)

[روایات نقصان عقل 16](#_Toc48730697)

[بررسی دلالی روایات: 16](#_Toc48730698)

[تبیین نقصان عقل در زنان 17](#_Toc48730699)

[نتیجه گیری 19](#_Toc48730700)

[منابع 20](#_Toc48730701)

## مقدمه

در نگاه اسلام خداوند متعال انسان را به هدف رسیدن به کمال و حقیقت بندگی آفرید و او را اشرف مخلوقات قرار داد و خود اعلام داشت که انسان اعم از زن و مرد را به بهترین شکل آفریده، در مسیر تکاملش، استعداد ها و امکانات یکسان در او به ودیعه گذاشته تا به معرفت و قربش دست یابد.

در این میان برای زنان نیز جایگاه و مقام عظیمی قائل شد و او را ارج و قرب نهاد و همپای مردان، شایسته رشد و تکامل دانست.

اسلام زن را دارای هویت و شخصیت مستقل و والا می داند و برای او آزادی و اراده و حق زندگی قائل است. با ظهور اسلام زن موجودی ارزشمند معرفی شد و با عقاید خرافی عصر جاهلیت مقابله شد و رسم زنده به گور کردن دختران ممنوع اعلام شد. مقام زن در اسلام چنان است که در آیات فراوانی از قرآن کریم، از مسائل مربوط به حقوق و منزلت زنان سخن به میان آمده است و به طور کلی آیات الهی زیادی در کرامت و شأن زنان نازل شده است اما در کنار این آیات و همچنین روایات فراوانی که در شان و منزلت زن آمده، روایاتی نیز به دست ما رسیده که اشاره به نقصان عقل در زنان دارد.

با توجه به اینکه بسیاری از فقهای شیعه در طول تاریخ برای استنباط برخی احکام شرعی مخصوص زنان به این ادله استناد کرده اند، اهمیت این موضوع روشن می شود که: اولاً نقصان در عقل زنان به چه معناست؟ و ثانیاً این معنای برداشت شده چگونه می تواند علت برای استنباط برخی احکام مخصوص زنان باشد و مورد استناد قرار بگیرد؟

در این تحقیق سعی بر این است که به این سوالات پاسخ داده شود.

# فصل اول

# مفهوم شناسی عقل و نقص

## عقل در لغت

واژه عقل در لغت نقیض جهل شمرده شده است ( خلیل بن احمد فراهیدی، العین،‌ ج1، ص159) و همان چیزی است که انسان را از سایر حیوانات تمییز می دهد.( محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ص233)

به طور کلی می توان گفت که عقل به معنای قوه درک خیر و شر و تمییز بین این دو، جلب کننده خیرات و منافع، بازدارنده از مضار و نیروی تشخیص دهنده سود و زیان، خوب و بد به کار رفته است.

## عقل در آیات و روایات

عقل را قرآن کریم و همچنین روایات معصومین(علیهم السلام) به چیزی تفسیر کردند که انسان به وسیله او حق را بفهمد و عمل کند. پس عقل در واقع ابزاری است که انسان به کمک آن حق را درک می کند یعنی همان قوه درک پس کسی که درک نمی کند عاقل نیست و همچنین کسی که درک می‌کند و عالم است، ولی به علمش عمل نمی کند هم عاقل نیست.

خداوند متعال می فرماید: «ا تامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الکتاب افلا تعقلون (بقره / 44)؛ آيا در حالى كه كتاب را مى‏خوانيد، مردم را به نيكى فرمان مى‏دهيد و خود را فراموش مى‏كنيد؟ آيا به عقل درنمى‏يابيد؟ »

قران کریم می فرماید کسی که به فکر اصلاح دیگران است و خود را فراموش می کند عاقل نیست پس عقل در نظر قرآن مجموعه علم و عمل است و اگر کسی فاقد هر دو یا یکی از این دو باشد در فرهنگ قرآن عاقل نیست، بلکه سفیه است.

آنچه از روایات نیز استفاده می شود این است که مراد از عقل همان قوه تشخیص و ادراک و وادارکننده انسان به نیکی وصلاح وبازدارنده او از شر و فساد می باشد.

عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال : «العقل دلیل المومن؛(عقل راهنمای مومن است» (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی ، جلد 1، ص25)

همچنین در روایاتی عقل وسیله پرستش خدا و بدست آوردن بهشت معرفی شده است: عن اسحاق بن عمارقال ابوعبدالله(علیه السلام):« من کان عاقلا له دین ومن کان له دین دخل الجنه ؛هر که عاقل است دین دارد کسی که دین دارد به بهشت می رود » (همان، ج1 ، ص11)

در روایتی دیگر آمده که شخصی از امام صادق علیه السلام راجع به چیستی عقل پرسید. ایشان فرمودند: «ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان قال قلت فالذی کان فی معاویه فقال تلک النکراء تلک الشیطنه وهی شبیهة بالعقل و لیست بالعقل» ( همان، ج1 ، ص 11)«عقل آن چیزی است که به‌وسیله‌ی او خداوند عبادت شده و بهشت‌ها به‌دست می‌‌آید.» سوال کرد: پس آن چیزی که در معاویه است،‌ چیست؟ فرمود آن نیرنگ است آن شیطنت است آن نمایش عقل را دارد ولی عقل نیست»

در روایت دیگر توضیح داده شده که کیفر وپاداش مردم در روز جزا به مقدار عقل ایشان است: «اذا بلغکم عن رجل حسن حال فانظروا فی حسن عقله فانما یجازی بعقله» «چون خوبی حال مردمی به شما رسید در خوبی عقلش بنگرید زیرا به میزان عقلش پاداش می یابد» (همان، ج1 ، ص 13)

امام علی(علیه السلام) نیز ضمن اینکه عقل را به دو نوع طبیعی وتجربی تقسیم می کند، عقل را مایه هدایت و نجات بشر معرفی می کند:

«العقل عقلان عقل الطبع وعقل التجربه و کلاهما یودی الی المنفعه»( بحار الانوار، ج75 ،ص 6)

«بالعقل یهدی وینجی اجهل یغوی و یردی»( بحار الانوار ، ج17 ، ص 116)

## مفهوم شناسی نقص

نقص به معنای خسران در حظ و بهره است؛( راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن ص821) همچنین در معنای ضعف در عقل و دین( محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب ص33) ویا به معنای کوچک شدن و کم شدن نیز بکار برده شده است.( معحم الوسیط ص946)

# فصل دوم

# جایگاه شناسی زن

## جایگاه و مقام زن از دیدگاه اسلام

بدون تردید ارزش وجودی زن از ارزش وجودی مرد جدا نیست و هر دو طبق آیه قرآن به زیباترین نحو و شایسته ترین شکل آفریده شده اند، «اعطی کل شیٍ خَلقَه ثم هدی؛ خداوند آنچه را که لازمه وجودی آفرینش هر چیزی بود به آن عطا کرده و راه کمال و حرکت را نیز به وی نشان داده است».(طه/ 50) و هدف از آفرینش زن همچون مرد رسیدن به حقیقت بندگی و تقرب به درگاه خداوند متعال است. همچنین هر کدام از این دو برای رسیدن به کمال خود خلق شده اند نه اینکه اصل کمال مرد باشد و زن تنها ابزاری برای کمال یابی مرد محسوب شود بلکه زن و مرد در کمال همدیگر نقش موثری دارند و مکمل یکدیگرند.

«هن لباس لکم و انتم لباس لهن؛( بقره/187) آنان (زنان) پوشش شما هسند و شما پوشش آنهایید» و در آیه دیگر زوجیت را وسیله آرامش در هر یک از زن و مرد معرفی کرده و زن را به عنوان یک همسر، از حد بردگی برای شوهر به سطح شریک کامل زندگی ارتقاء داده می فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة...؛(روم/21) و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میانشان دوستی و مهربانی نهاد.»

مقام زن در اسلام چنان است که در آیات فراوانی از قرآن کریم، از مسائل مربوط به حقوق و منزلت زنان سخن به میان آمده است و به طور کلی آیات الهی زیادی در کرامت و شأن زنان نازل شده است از جمله «إِنَّ الْمُسْلِمينَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْقانِتينَ وَ الْقانِتاتِ وَ الصَّادِقينَ وَ الصَّادِقاتِ وَ الصَّابِرينَ وَ الصَّابِراتِ وَ الْخاشِعينَ وَ الْخاشِعاتِ وَ الْمُتَصَدِّقينَ وَ الْمُتَصَدِّقاتِ وَ الصَّائِمينَ وَ الصَّائِماتِ وَ الْحافِظينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ وَ الذَّاكِرينَ اللَّهَ كَثيراً وَ الذَّاكِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظيماً...؛( احزاب/35)» در این آیه کریمه زنان و مردان با هم و در برابر یکدیگر ذکر شده به طوری که زنان مانند مردان می توانند به مقام ملکوتی و معنوی برسند و از این طریق مشمول مغفرت الهی و اجر اخروی شوند. مقاماتی چون: مقام اسلام، مقام ایمان، مقام صدق، مقام صبر و پایداری در برابر حوادث، مقام اطاعت و فرمانبرداری، مقام فروتنی و خوف از عظمت و عقاب حق و مقام ضبط نفس و مالکیت بر شهوات.

همچنین در راستای تأکید بر بهره مندی زن از انسانیت کامل و صلاحیت روحی و اخلاقی کامل او، احترام زن را واجب فرمود به ویژه بالاترین حد تکریم و احترام را به زن از آن جهت که مادر است اختصاص می‌دهد. «ولقد وصینا الانسان بوالدیه احساناً، حملته امر کرها و وضعته کرها»(احقاف/ 15)«آدمی را به نیکی کردن به پدر و مادر خود سفارش کردیم و مادرش بار او را به دشواری برداشت و به دشواری بر زمین نهاد».

احادیث فراوانی نیز موجود است که نشان‌دهنده شخصیت و مقام والای زن در نزد پیشوایان دینی است. از رسول خدا نقل شده که فرمود «انّما النساء شقایق الرجال»(کنز العمال، ج 16، ص 482)«زنان همتای مردانند.»

در حدیثی دیگر از ایشان آمده است که فرمود « الجنة تحتَ اقدامِ الامَّهات»(کنزالعمال، ج 16، ص 461)«بهشت زیر پای مادران است» همچنین رسول خدا (ص) در خطبه حجة الوداع که آن را در حضور انبوه مسلمانان و در سال پایانی عمر خویش بیان کردند در مورد زنان فرمودند: «ایها الناس انّ لنسائکم علیکم حقاً و لکم علیهنَّ حقاً ... فاتّقوا الله فی النساء و استَوصوا بهنَّ خیرا؛»(تحف العقول،ص30)«ای مردم، زنان بر شما حقوقی دارند چنانکه شما را بر آنان حقوقی است خدا را نسبت به زنان در نظر دارید و نسبت به آن ها به خیر و نیکی سفارش کنید».

بنابر این روشن شد که از دیدگاه اسلام و در منطق وحی زن موجودی والا و ارزشمند است؛ به طوری که اگر از تعالیم گرانقدر وحیانی برای رشد و تربیت خویش بهره گیرد می تواند آنقدر به کمال برسد که خداوند متعال در کتاب آسمانی اش او را خطاب قرار دهد و فرشتگان الهی و جبرئیل به محضرش حاضر شوند و با او صحبت کنند:

«اذ قالت الملائکةُ یا مریمُ إنّ الله یُبَشِّرکِ بکلمةٍ منهُ اسمُهُ المسیحُ عیسی ابنُ مریَمَ وجیهاً فی الدنیا و من المقربّین»(آل عمران: 45)«بیاد بیاورید هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه ای از طرف خودش بشارت می دهد که نامش «مسیح عیسی بن مریم» است در حالی که در این جهان و جهان دیگر صاحب شخصیت خواهد بود و از مقربان است».

## اشتراکات وجودی زن و مرد

مهم‌ترین اشتراکات وجودی و تکوینی زن و مرد عبارت‌اند از:

### الف) اشتراک در گوهر انسانیت

یکی از مسائل اساسی مطرح در موضوع زنان این است که آیا زن و مرد از یک حقیقت و سرشت واحد برخوردارند یا این که هر یک از گوهری متفاوت شکل گرفتند.

با استناد به قرآن کریم به خوبی می توان دریافت که تفاوتی در ماهیت زن و مرد وجود ندارد بلکه هر دو از یک ریشه و جنس آفریده شدند و در سرشت و سیرت انسانی مشترکند. این گونه نیست که یکی به علت مرد بودن برتر و دیگری به علت زن بودن پست تر باشد بلکه وجه اشتراک این دو انسانیت آن هاست و برتری آن دو بر یکدیگر نیز از برخورداری بیشتر از همین گوهر است. آیات قرآن کریم را می‌توان در چند دسته ارائه کرد:

الف. از جمله آیاتی که دلالت بر، از یک نوع بودن زن و مرد می کند و اشتراک آن ها در حقیقت انسانی را اثبات می کند آیه یک سوره نساء است: « یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها»( نساء / 1) «ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را نیز از جنس او آفرید».

از ظاهر و سیاق آیه بر می آید که مراد از « نفس واحده» آدم (ع) و مراد از «زوجها» حوا باشد که پدر و مادر نسل انسان هستند و همه افراد نوع انسان به این دو فرد منتهی می شوند و از حیث «حقیقت و جنس» یک واقعیتند. ظاهر جمله‌ی «و خلق منها زوجها» نیز این است که می خواهد بیان کند که همسر آدم از نوع خود آدم بود و انسانی مثل خود او و همه افراد بشر از دو فرد انسان مثل هم و شبیه به هم منشأ گرفته اند. این جمله همان نکته را می رساند که آیات دیگری نیز به آن اشاره دارد از جمله : « و مِن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمه؛»(روم/ 21) «و یکی از آیات او این است که از جنس خود شما همسرانی برایتان خلق کرد تا مایه سکونت و آرامش شما باشد و بین شما و همسرانتان مودت و رحمت بر قرار نمود»، «والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفدةً؛(نحل/72) و خدای تعالی برایتان از خودتان همسرانی خلق کرد، و از آن همسران برایتان فرزندان و نواده ها پدید آورد».

بنابر این با توجه به آیات قرآن هر گونه ابهامی در این زمینه که همسر آدم از بدن یا دنده چپ آدم خلق شده بر طرف می شود. (طباطبایی محمدحسین، ج 4، ص 214)

آیات دیگری نیز در این همین زمینه وجود دارد که بر وحدت و اشتراک ماهوی زن و مرد تاکید دارد و محور تقسیم مرد و زن بودن را انسان قرار داده است یعنی انسان را به دو دسته مردان و زنان تقسیم می‌کند.

«أ یَحسب الانسان ان یترک سوی الم یک نطفه من منی یعنی ثم کان علقه فخلق فسوی فجعل منه الزوجین الذکر و الانثی»(قیامت/ 36 -39) آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود آیا او نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟ سپس به صورت خون بسته در آمد و خداوند او را آفرید و موزون ساخت و از او دو زوج مرد و زن آفرید

در آیه‌ی‌ دیگری فرمود: «والله خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم جعلناکم ازواجا»(فاطر/11) «... و خدا [است که] شما را از خاکی آفرید سپس نطفه ای، آنگاه شما را جفت جفت گردانید... » ،

در آیه‌ی کریمه‌ی‌ دیگری نیز می‌فرماید: « و خلقناکم ازواجاً (نبا/8)» «و شما را جفت آفریدیم».

خداوند متعال در بیان دیگری می‌فرماید: « أولم یرَ الانسان انّا خلقناه من نطفةٍ فإذا هو خصیمٌ مبین»(یس/77) «آیا انسان نیندیشیده است که ما او را از نطفه ای آفریده ایم آنگاه جدل پیشه ای آشکار است»،

خداوند حکیم در آیه‌ی دیگری نیز تأکید می‌کند: «من عمل صالحاً من ذکرا و انثی و هو مومن فلنحیینه حیاة طیبه»(نمل/97) «هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مومن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] خواهیم داد»

در این آیات محور تقسیم انسان است که به دو قسم زن و مرد به طور یکسان تقسیم می شود از آن جا که شرط درستی تقسیم این است که مقسم در همه اقسام وجود داشته باشد. انسانیت باید در هر دو قسم، مرد و زن موجود باشد.

ب. دسته دومی از آیات در قرآن کریم وجود دارد که به اشتراک زن و مرد در روح اشاره دارد:

روح اعطاء شده از جانب حق، تمام‌حقیقت انسان‌ها و امتیازی برای آن‌ها به حساب می آید به طوری که در برخورداری از این امتیاز هیچ تردیدی نیست. آنکه مشمول این روح شد انسان اعم از زن و مرد بدون هیچ قید دیگری است.

«... و بدأ خلق الانسان من طین. ثم جعل نسله من سلالة من ماء معین. ثم سویه و نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع و الابصار و الافئدة قلیلاً ما تشکرون(سجده 7ـ9)» «... و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود. آنگاه او را درست اندام کرد و از روح خویش در او دمید، و برای شما گوش و دیدگان و دل ها قرار داد. چه اندک سپاس گذارید»

این آیات نشان‌ دهنده این معناست که زن و مرد هر دو دارای روح الهی اند و جنسیت هیچ دخالتی در میزان بهره مندی از روح و حقیقت انسانی ندارد. همین معنا یعنی برخورداری مشترک زن و مرد از روح الهی در آیات 12 – 14 سوره مومنون نیز آمده است.

خلاصه کلام این که طبق آیات الهی زن و مرد از گوهر همانند برخوردارند و نتیجه اشتراک این دو در ماهیت انسانی است که هر آنچه برای انسان به خودی خود ثابت است، برای زن و مرد که در انسانیت مشترکند ثابت می باشد مانند داشتن سرشت مشترک و فطرت خداشناسی، معرفت خیر و شر یا به عبارتی شناخت ارزش ها و ضد ارزش ها با این توضیح که خداوند متعال افعالی را که سبب کمال یا انحطاط انسان اعم از زن و مرد می شود به او الهام کرده است. «و نفس ما سواها، فالهمها فجورها و تقویها»(شمس/7ـ 8)؛ «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد.»

ج. برخی آیات قرآن کریم بر تکریم الهی نسبت به نوع انسانی خبر می‌دهند و در این جهت تفاوتی بین زن و مرد نیست،‌ چنانکه فرمود:«لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا» «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها بر نشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»(اسراء/70)

### ب) به فعلیت رساندن استعدادها و ظرفیت ها به نحو کمال

زن و مرد علاوه بر داشتن خلقت مساوی، در توان دستیابی به ارزش ها و کسب کمالات والای انسانی، برابر هستند و در تمامی آیات قرآن هر جا که صحبت از ارزش و کمال الهی است، مرد و زن به طور یکسان خطاب شده اند. به عبارت دیگر در تفکر قرآنی زن همانند مرد، تکامل پذیر است و راه رسیدن به کمالات انسانی و تقرب به خداوند متعال، به طور مساوی برای زنان و مردان باز است لذا صلاحیت زن برای تقرب به خداوند متعال از طریق اطاعت و عبادت و دستیابی به بالاترین مراتب کمال و ارزش هایی مثل ایمان، عمل صالح، تقوی، سبقت در دین کاملاً همانند مرد است.

« من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مومن فلنحبیَنّه حیاةً طیبه»(نمل/79) «هر که از زن و مرد عمل صالحی انجام دهند، در حالی که ایمان به خدا دارند، پس ما آن ها را به زندگانی پاک زنده خواهیم داشت و پاداششان را بهتر از آنچه عمل می کردند خواهیم داد.»،

در آیه دیگری آمده است: «انّ اکرمکم عند الله اتقاکم...؛»(حجرات/13) «بدرستی که برترین شما در نزد خداوند با تقواترین شماست.»

خداوند متعال هدایت تکوینی و وسایل لازم برای رسیدن به هدف را در همه‌ی‌ انسان‌ها قرار داده است: «قالَ رَبُّنَا الَّذي أَعْطى‏ كُلَّ شَيْ‏ءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدى‏»(طه/50) این آیه نشان‌گر هدایت تکوینی هر موجود به سوی کمالش است. اگر از سویی قائل شویم به این که انسان در حرکت به سوی کمال دارای دو مظهر مرد و زن است، اما یکی کامل و دیگری ناقص است و امکان دستیابی به کمال را ندارد و از سوی دیگر بگوییم که خالق حکیم از خلقت هر دو یک هدف داشته، در حقیقت تناقض‌گونه سخن گفته‌ایم، ضمن آنکه لازمه‌اش آن است که احسن الخالقین که انسان را در « احسن قوام» قرار داده نقصی در کمال او ایجاد کرده باشد.(جوادی آملی عبدالله، 1382، ص 150)

بنابر این در قرآن کریم از استعداد ها و امکاناتی سخن به میان می آید که جنسیت در هیچ یک از آن ها دخیل نیست بلکه با تعابیر عامی چون انسان، ناس و بنی آدم بیان شده است که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

الف. برخورداری از ابزار درک و شناخت: «و هو الذی أنشَأ لکم السمع و الابصار و الافئدة قلیلاً ما تشکرون»( مومنون / 78) «او کسی است که برای شما گوش، چشم و دل ها آفرید، بسیار کم سپاس می گذارید»

ب. برخورداری از اراده و اختیار: دستیابی به کمال، زمانی ارزشمند است که انسان با اراده و اختیار به آن دست یابد. «انّا هدیناه السبیل امّا شاکراً و امّا کفورا»(انسان/2)؛ ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد یا ناسپاس. » این آیه نشانگر این مطلب است که انسان در مسیر کمال آزاد است، چرا که می تواند آن را بپذیرد یا نپذیرد.

ج. برخورداری از فطرت الهی که هدایت‌گر انسان به سوی کمال است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتي‏ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها لا تَبْديلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُون‏»(روم / 30)«ای رسول رو به سوی آئین پاک آور و از فطرت که خدا انسان را بر آن آفریده است پیروی کن، تغییری در آفرینش خدا نیست، ولی اکثر مردم نمی دانند.»

د. برخورداری از امکانات تکوینی: «خَلَق الانسان، علَّمَهُ البیان»(الرحمن/ 2ـ3)، «خلق لکم ما فی الارض جمیعا»(بقره/29)

هـ. برخورداری از امکانات تشریعی مانند فرستادن پیامبران و نزول کتاب: «و اذکروا نعمة الله علیکم إذ جَعَلَ فیکم انبیاء»(مائده/20)«یاد کنید نعمت خدا را بر شما، که در میان شما پیامبرانی قرار داد» .

این آیات نمونه هایی بود که نشانگر این مطلب است که خداوند امکانات و استعدادهای متعدد برای دستیابی به کمال را برای زن و مرد به طور یکسان قرار داده است، بنابراین در مسیر حرکت به سوی حق، طی مراحل کمال و تقرب به بارگاه الهی هیچ تفاوتی بین زن ومرد نیست. هر یک از آن دو که عزم و اراده داشته باشد و از این امکانات بهره برداری کند به حقیقت بندگی، قرب الهی و کمال دست می یابد.( مطهری مرتضی، 1388، ص61)

# فصل سوم

# بررسی دلالی ادله نقصان عقل زن

## روایات نقصان عقل

روایاتی در زمینه عقل زنان وجود دارد که سبب شده برخی با استناد به آن ها قائل به نقصان عقل زنان شوند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

قال رسول الله (ص): «ما رأیت من ضعیفات الدین و ناقصات العقول اسلب لذی لب منکن»( فروع کافی، ج 2، ص 2) «رسول خدا (ص) فرمود: سست‌دین و کم‌خردی که عقل دزدتر از شما باشد ندیدم».

قال امیر المومنین (ع): «عقول النساء فی جمالهن و جمال الرجال فی عقولهم» (بحار الانوار، ج100، ص 224)«خرد زنان در زیبایی آنان است و زیبایی مردان در خرد آن هاست.»

قال امیرالمومنین (ع): «بعد حرب الجمل فی ذم النساء: معاشر الناس ان النساء نواقص الایمان، نواقص الحظوظ، نواقص العقول و ... » (نهج البلاغه، خطبه 80، ص 105) «مردم ایمان زنان ناتمام است، بهره آنان ناتمام، خرد ایشان ناتمام....»

قال امیر المومنین (ع):«معاشر النساء خلقتن ناقصات العقول فاحترزن من الغلط فی الشهادات ... »؛ «ای زنان شما ناقص العقل آفریده شده اید از خطای در شهادت پروا کنید(وسائل الشیعه، ج 18، ص 245)»

### بررسی دلالی روایات:

با توجه به مطالب و آیاتی که در بخش های قبلی اشاره شد و همگونی گوهر و کمال و ا ستعداد ها در زن و مرد اثبات گردید با فرض پذیرش سند این روایات باید بررسی شود که به طور کلی منظور از نقصان عقل در زنان چه می تواند باشد. برای رسیدن به پاسخ این سوال باید دید مراد از عقل یا نقص عقل در این سخنان چه بوده است.

لذا برای تبیین چگونگی درک عقلانی زنان ابتدا به اقسام عقل اشاره می کنیم.

#### اقسام عقل

1- عقل ذاتی و اکتسابی (تجربی): عقل ذاتی آن نیرویی است که در درون انسان ها وجود دارد و معیار و ملاک آدمیت، تکلیف و مسئولیت‌پذیری آن‌هاست و عقل اکتسابی آن نیرویی است که برخورداری انسان‌ها از آن در قالب مشخصی نیست و قابل افزایش و کاهش است و عوامل خارجی در بروز و ظهور آن موثر است.

2- عقل نظری و عملی: عقل نظری آن عقلی است که تنها مربوط به حوزه نظر است و ارتباطی به عمل ندارد و فعالیت های عقل نظری هرگز تکفل بیان واقعیت و ارزش هدف ها نیستند که روشن ترین مصداق عقل نظری، علم منطق است اما عقل عملی مُدرک علومی است که مربوط به حوزه عمل می شود و این نوع عقل است که نیروهای درونی بشر مانند عقل نظری، وجدان، اراده و نظر را هماهنگ می کند و از همه آن ها برای وصول به واقعیات بهره می گیرد.

## تبیین نقصان عقل در زنان

با توجه به تعریف عقل و یکسان بودن خلقت در مرد و زن چنین به نظر میرسد که مقصود از نقصان عقل در زنان، نقصان در تعقل و بکارگیری آن است نه اینکه عقل به عنوان یک نیروی درونی در زنان نقصان داشته باشد و آن هم به این علت است که عواطف و احساسات در زنان از قوت بیشتری برخوردار است تا مردان. و این قوت عواطف نیز نقص محسوب نمی شود چرا که این شدت عواطف در کنار داشتن عقل کامل یک موهبتی از جانب پروردگار برای زنان به تناسب نقش های آنان در جهان هستی به ویژه نقش مادری است.

به عبارتی دیگر شرط اول تعقل و تفکر کامل و درست، تسلط بر خویش و مهار عواطف و احساسات می باشد و از آن جا که حوزه ادراک انسان ها از شدت و ضعف عواطف و انفعالات انسانی تأثیرپذیر است، هرچه عواطف شدیدتر و قوی تر باشد تأثیر و تأثر ادراک و عاطفه بیشتر و از تأثر تعقل کاسته خواهد شد. یعنی در واقع عواطف و احساسات به عنوان مانعی برای تعقل کامل محسوب می شوند؛ لذا از آن جا که مردان از عواطف کمتری برخوردارند، مانع برای بروز و قوت تعقل در آن ها کمتر، در نتیجه اقتضای تعقل در آن ها بیشتر می شود. پس قوت تعقل در مردان به خاطر قوت خود آن ها نیست بلکه به خاطر ضعف عواطف (موانع تعقل) در آن هاست.

از این رو همان طور که گفته شد با آن که مرد و زن در خلقت، از یک گوهر انسانی برخوردارند و در زمینه استعدادهای مختلف از جمله استعداد عقلانی مساوی اند، شدت عاطفه در زنان زمینه ظهور و شکوفایی عقل در آن ها را محدود ساخته و در عوض ضعف عاطفه در مردان قدرت تعقل در آن ها را افزوده است.(ر.ک. شخصیت و حقوق زن، ص 81 -108)

## نتیجه گیری

بنابر آنچه گفته شد، روشن گردید که بسیاری از آیات قرآن کریم شاهد این مطالبند که زن و مرد دو جلوه از نوع بشر هستند و در اصل خلقت یکسان آفریده شده اند و هیچ گونه امتیازی از لحاظ تکوین نسبت به یکدیگر ندارند و هر دو به واسطه استعداد ها و امکانات تشریعی و تکوینی عطا شده از جانب پروردگار می توانند در مسیر تکامل گام بردارند.

و از جمله این استعداد ها استعداد عقلانی است که به طور یکسان زن و مرد از آن برخوردارند و آنچه که در این میان سبب تفاوت در این زمینه شده، میزان تعقل یا بکارگیری این قوه است که آن هم به دلیل شدت عواطف و احساسات در زنان است که به صورت مانع برای مقتضی تعقل محسوب شده و از میزان آن می کاهد البته این ویژگی نیز نقص محسوب نشده بلکه با وظایف تکوینی زنان تناسب دارد.

## منابع

1ـ قرآن کریم

2ـ ابن منظور،لسان العرب،دار الصادر،بیروت،1963م

3ـ جوادی آملی؛زن در آیینه جمال و جلال،نشر فرهنگی رجا، قم، 1388

4ـ حر عاملی؛محمد بن حسن،وسائل الشیعه،موسسه آل البیت،قم،1368

5ـ راغب اصفهانی،مفردات الفاظ قرآن،دار القلم،دمشق،1996م

6ـ طباطبائی؛محمد حسین،تفسیر المیزان،نشر فرهنگی رجا، قم، 1382

7ـ کلینی؛محمد بن یعقوب،فروع کافی، دار الکتاب الاسلامیه،تهران،1375

8ـ مجلسی؛محمد باقر،بحار الانوار،الاسلامیه،تهران،1397ق

9ـ مطهری؛مرتضی،نظام حقوق زن در اسلام،انتشارات صدرا،تهران،1369